

# جوانان ایران و فوری‌ترین نیازها...

نوشته دکتر پرویز ورجاوند

انبوه مسائل و مشکلات مربوط به این نیروی کلان از چنان ابعادی برخوردار است که ایجاب می‌کند تا هر چه سریعتر بدانها پرداخته شود، باشد که با امروز به فردا کردن‌ها بر شور و شوق و امید این نیرو لطمه وارد نیاید و سوز دلمردگی بر چهره‌های مصمم جوانان نوزد.

ارج نهادن بر نیروی جوان در سخن، بدون آنکه گامهای اساسی برای سامان دادن به نیازها و نقش آفرینی این نیرو برداشته شود بر حجم مشکلات خواهد افزود. پاسخگویی به مسائل گوناگون پیش‌رو در پیوند با نیروی جوان کشور کاری شترک و منگی بر برنامه‌ریزی‌های گسترده و همه‌جانبه را می‌طلبد. باید بدانیم که برنامه‌ریزی برای جامعه جوان در یک کشور با «جمعیت جوان» یا برنامه‌ریزی برای جوانان در کشوری که هرم سنی آن گویای یک جمعیت جوان نیست تفاوت بسیار دارد.

برای آشنائی بیشتر با ساختار جوان جمعیت کشور و امکان مقایسه آن با برخی از کشورهای دیگر جهان با شرایط متفاوت از نظر پیشرفت و توسعه، بی‌مناسبت نمی‌دانیم توجه خوانندگان گرامی را به جدول شماره یک جلب کنیم.

کشوری چون ایران با ساختار یک جمعیت جوان در کار برنامه‌ریزی می‌بایست، پدیده جامعه جوان و نیازها و مسائل مربوط بدان را با شفاف‌ترین وضع مورد توجه قرار دهد و از یاد نبرد که با کمترین سهل‌انگاری حتی در طول یک دهه می‌تواند با آشفتگی‌ها و تنش‌های جدی و چه بسا ویرانگر مواجه شود. حساسیت کار برنامه‌ریزی در کشوری با ویژگی‌های ایران در آنست که گذشته از توجه داشتن به نیازهای مرحله‌های پی در پی زندگی این نیروی جوان، باید محورهای توسعه را چنان برگزیند که حرکت رو به رشد در مجموعه تداوم پیدا کند و توانمندی ملی در تمامی ابعاد حاصل آید. در راستای یک برنامه‌ریزی کلان نه تنها ایجاب

آن روز نسل جوان کشور نشان داد که مرز میان ابراز شادمانی و بزرگداشت شکوهمند یک رویداد ملی را از دست زدن به رفتاری لجام گسیخته به خوبی باز می‌شناسد و قادر بر آنست تا خواسته‌ها و پیام خود را حتی در یک تظاهرات غیر قابل مهار کردن، با نزاکت بیان بدارد.

نیت از اشاره به این دو رویداد در آغاز این بحث بدان خاطر بود تا به همگان یادآور شویم که نیروی جوان این مرز و بوم با وجود همه فشارهایی که بر شانه‌های خود حس می‌کند و برخوردهای نابه‌هنجاری که با آن شده است در طول هفت ماه دو حرکت توانا از خود نشان داد که به اعتبار آن هر دو، حق دارد تا پاسخی در

درباره نقش و حرکت نیروی جوان در رویداد تاریخی دوم خرداد ماه، در جریان گزینش ریاست جمهوری تاکنون سخنان بسیاری گفته شده و آنهایی که واقعیت‌ها را دگرگونه جلوه دهند، بر این امر تکیه داشته‌اند که حضور توانمند و غیره منتظره مردم، و به ویژه نیروی جوان را در آن رخداد باید نقطه عطفی در زندگی سیاسی جامعه امروز ایران بشمار آورد و پیام آن را شنید و نسبت به تغییر ساختار و گزینش راه و روندی دیگر در جهت ارج نهادن بر خواست ملت و تسلیم شدن به



خور بشنود.

جناب آقای خاتمی چه در جریان انتخابات و چه به گونه‌ای گسترده‌تر در چند ماه پس از آن در فرصت‌های مختلف کوشیده‌اند تا بر اهمیت نیروی جوان تکیه کنند و بدان بها بدهند که این خود جای امیدواری است. ولی از یاد نبریم که

رای و نظر آن گردن‌نهاد. نیروی عظیم جوان کشور یکبار دیگر در هشتم آذر ماه، در خیزش همگانی ملت ایران در سراسر ایران زمین به مناسبت پیروزی قهرمانان ملی، حضور توانمند و هوشیارانه دیگری از خود نشان داد و ثابت کرد که از شایستگی‌های بسیاری برخوردار است. در

جدول شماره یک

(برگرفته شده از جدول جمعیت جهان دانشنامه بریتانیکا مربوط به سالهای ۹۵ - ۱۹۹۰)

نام کشور	توزیع سنی جمعیت						کل جمعیت
	۰-۱۴	۱۵-۲۹	۳۰-۴۴	۴۵-۵۹	۶۰-۷۴	۷۵ به بالا	
آفریقای جنوبی	۳۲/۱	۲۹/۴	۲۰/۷	۱۰/۵	۵/۷	۱/۶	۴۱/۴۶۵/۰۰۰
آمریکا	۲۱/۵	۲۳/۴	۲۳/۹	۱۴/۴	۱۱/۵	۵/۳	۲۶۳/۰۵۷/۰۰۰
استرالیا	۲۲/۱	۲۴/۲	۲۳/۴	۱۵/۰	۱۱/۱	۴/۴	۱۸/۰۲۵/۰۰۰
اسلواکی	۲۵/۰	۲۲/۷	۲۲/۸	۱۴/۶	۱۰/۷	۴/۲	۵/۳۵۵/۰۰۰
ایران	۴۴/۳	۲۶/۶	۱۵/۱	۸/۲	۴/۸	۰/۸	۶۱/۲۷۱/۰۰۰
بلژیک	۱۸/۲	۲۱/۸	۲۲/۵	۱۶/۹	۱۴/۱	۶/۶	۱۰/۰۶۴/۰۰۰
بنگلادش	۴۱/۵	۲۵/۲	۱۶/۲	۸/۱	۴/۳	۱/۱	۱۲۰/۰۹۳/۰۰۰
پاکستان	۴۴/۵	۲۳/۹	۱۵/۴	۹/۳	۵/۳	۱/۶	۱۴۰/۴۹۷/۰۰۰
ژاپن	۱۸/۲	۲۱/۷	۲۲/۲	۲۰/۱	۱۲/۶	۴/۸	۱۲۵/۳۶۲/۰۰۰
سنگاپور	۲۳/۲	۲۷/۳	۲۷/۷	۱۲/۷	۶/۹	۲/۲	۲/۹۸۹/۰۰۰
شیلی	۳۰/۶	۲۷/۰	۲۱/۲	۱۲/۲	۶/۸	۲/۲	۱۴/۲۱۰/۰۰۰
فرانسه	۱۹/۱	۲۲/۶	۲۲/۸	۱۵/۶	۱۲/۸	۷/۱	۵۸/۱۷۲/۰۰۰
قبرس	۲۵/۴	۲۲/۰	۲۲/۳	۱۵/۴	۱۰/۲	۴/۷	۸۰۶/۰۰۰
کانادا	۲۰/۹	۲۲/۷	۲۵/۱	۱۵/۳	۱۱/۳	۴/۷	۲۹/۴۶۳/۰۰۰
کره جنوبی	۲۵/۷	۳۰/۴	۲۲/۹	۱۳/۴	۶/۱	۱/۵	۴۴/۸۳۴/۰۰۰
لهستان	۲۵/۴	۲۱/۲	۲۳/۳	۱۵/۵	۱۰/۴	۴/۲	۳۸/۶۴۱/۰۰۰
ماداگاسکار	۴۵/۶	۲۶/۷	۱۵/۰	۷/۷	۵/۰	—	۱۴/۷۶۳/۰۰۰
نیجریه	۴۷/۴	۲۶/۰	۱۴/۴	۸/۰	۳/۵	۰/۶	۹۵/۴۳۴/۰۰۰
نیکاراگوئه	۴۸/۱	۲۵/۶	۱۴/۱	۷/۴	۳/۸	۱/۱	۴/۳۴۰/۰۰۰
هند	۳۶/۰	۲۷/۷	۱۸/۰	۱۱/۲	۵/۹	۱/۲	۹۳۵/۷۴۴/۰۰۰

کجا شوم؟ و از کدام پیوند و تخمه‌ام و جهام خویشگاری (= وظیفه) گیتی [است] و چه مزد مینو؟ از مینو آدمم یا بگیتی بودم؟ خویش هرزدم یا اهریم؟ خویش یزدانم یا دیوان؟ خویش بهانم یا بدان؟ مردمم یا دیو؟ راه چند و دینم کدام؟ و چیم سود و چیم زیان؟ و کیم دوست و کیم دشمن از که نیکی؟ از که داد و از که بیداد؟ از که بخشایش و از که ناآمرزش؟...

۲- پدر و مادر فرزند خویش را، باید این چند کار و کژقه (ثواب) پیش از ۱۵ سال بیاموختن و چون این چند بیاموزند، هر کار و کژقه (ثواب) که فرزند کند پدر و مادر را بود و چونش نیاموزند [هر] گناه که فرزند به نابخردی کند، همه پدر و مادر را بود. از به خرسندی و خشم به

سروش و رشک به نیک چشمی

و نیاز به کم خواهی و جنگ به آشتی و دروغ به راستی بزند.

تا می‌توانید بدان را به فرمانروائی مستائید، چه از ستایش نابجا، بدی به تن [اندر] شود و بهی راه خویش گیرد.

در دوران اسلامی نیز ایرانیان برای آموزش جوانان اهمیت ویژه‌ای قائل بوده‌اند که نمره همین توجه هزاران ادیب، فیلسوف، اخترشناس، ریاضی دان، پزشک... بوده است. اما دریفا که در سال‌های اخیر، گروهی انقطاعی بین تاریخ این سرزمین کهن در قبل و بعد از اسلام بوجود آورده‌اند.

با نگاهی به کتابهای دبستانی، راهنمایی و دبیرستانی در پس انقلاب و مروری بر آنها درمی‌یابیم که نه تنها کوششی در زمینه هویت یخشیدن به کودکان، نوجوانان و جوانان صورت نپذیرفته است که ستیزی ناستجیده با پیشینه تاریخ و فرهنگ این سرزمین در آنها گنجانیده

پایه ارج می‌نهادند و تاریخ‌نویسان یونانی و رومی و دیگران چگونه از اهمیت این پدیده در تمدن دوران‌های مادی، هخامنشی، اشکانی و ساسانی سخن گفته‌اند. در تمدن ایرانی تکیه بر باهویت بار آوردن فرزندان و انتقال میراث گذشته فرهنگی به آنها و شناخت هویت فرهنگ ملی برای جوانان از جایگاهی بلند برخوردار بوده است.

در یکی از متن‌های پهلوی دوران ساسانی معروف به «اندرز پور یوتکیشان» یا نخستین دینداران که گمان می‌برند از گفته‌های زرتشت پسر آذرباد مهر اسپندان باشد درباره آگاهی‌های یک نوجوان پانزده ساله و آنچه که باید در این سن بدان آگاهی داشته باشد چنین آمده است:

«۱- هر مردم که به داد (سن) پانزده ساله رسد، پس او را چند چیز ببااید دانستن که: کیم؟ و خویش کیم؟ و از کجا آدمم؟ و باز به

می‌کند تا بررسی‌های همه سونگر آمایش سرزمینی انجام بگیرد، که ایجاب می‌کند استراتژی سیاست ملی در ارتباط با منطقه و کل جهان نیز از هر نظر طراحی بشود.

تعیین هدفهای بنیادین آموزش و پرورش در کشوری با جمعیت جوان یکی از مهم‌ترین محورهای حرکت در جهت رشد و توسعه بشمار می‌رود. پدیده‌ای که در چند دهه اخیر در ایران هیچگاه بدان بهای لازم داده نشده و تا به امروز جایگاه یک پژوهشگاه توانمند و برخوردار از یاری کارشناسان و صاحب‌نظران و متفکران صاحب صلاحیت و معتبر در این زمینه در این ملک خالی است.

یک انقطاع دردآور...

با نگاهی به آثار مربوط به فرهنگ و تاریخ پیش از اسلام ایران به روشنی درمی‌یابیم که در آن روزگاران به پدیده آموزش و پرورش تا چه

شده است. از هیچ دورانی از تاریخ شکوهمند این سرزمین نیست که به نیکی و بزرگی یاد شده باشد. پرداخت نوشته‌ها چنانست که گوئی سخن دربارہ مردمانی است که جز جور و ستم و سلطه‌گری راه و رسمی نداشته‌اند. دوران اساطیری این سرزمین و نقش آن دوران در بنیان‌گذاری پایه‌های فرهنگ و تمدن بشری نادیده انگاشته شده و به عظمت کار سترک پدید آوردن سازمان دولت و نهادهای مربوط به آن و ایجاد قانون برای نظم بخشیدن به ساختار جامعه و روابط مردم در زمینه‌های مختلف از دوران ایلام به بعد اشاره‌ای نگشته است. شکوه و توانائی فرهنگ و تمدن ایرانی و گستره پهناور آن به عنوان یکی از کم شمار فرهنگ‌های بزرگ جهان برای نسل جوان تشریح نشده است. به عبارت دیگر هیچگونه کوششی در جهت شناخت خویشتن و خود باور کردن نسل جوان انجام نگرفته است. این همه در شرایطی است که همه روزه فریاد و فغان از تهاجم فرهنگی غرب سر داده شده و بر لزوم ایستادگی در برابر این تهاجم تأکید شده است. سکان‌داران آموزش و پرورش نسل جوان با توجه به جو ستیز با اندیشه ملی که به نیت‌های خاص، جماعتی در پس انقلاب در این سرزمین حاکم ساختند، با خوش بینانه‌ترین نگاه، بدون آنکه بدانند چه بر سر این ملت و نسل جوان آن می‌آورند، کوشیدند تا چهره سیاهی از پیشینه تاریخی این سرزمین به تصویر بکشند و زیر پای نسل جوان را خالی کنند. آنها بر این مهم توجه نکردند که اگر نسل جوان کشوری بر پیشینه سرزمین و ملت و تاریخ و فرهنگ خود آگاهی نیابد و بر جنبه‌های شکوهمند آن ارج نهند و خویشتن خویش را نشناسد، سرانجام راهی جز دنباله‌روی و سر نهادن بر خط دیگران نخواهد داشت و قادر نخواهد بود تا با اتکاء به خود، امروز و فردای کشور را بسازد.

**شرایط بحرانی نسل جوان امروز کشور چنانست که ایجاب می‌کند تا هر چه سریعتر نسبت به سرگردانی و دلمردگی انبوه بیکاران جوان حساسیت نشان داده شود و راه کارهای مناسب برگزیده گردد. شک نیست که فراهم آوردن موجبات اشتغال برای هشتصد هزار نفر**

## فقط یک دهه بی‌توجهی به مسائل جوانان در کشوری چون ایران می‌تواند آشفته‌گی‌ها و تنش جدی را موجب شود

در سال، کاری ساده نخواهد بود ولی با توجه به منابع سرشار موجود در این سرزمین، چنانکه به یاری کارشناسان و صاحب‌نظران برنامه‌ریزی هوشمندانه‌ای صورت بگیرد، می‌توان امیدوار بود تا شرایط لازم برای پایان دادن به بحران بیکاری فراهم آید و انبوه بیکاران جوان کشور از استعداد‌های خود برای ساختن میهن بهره بگیرند و نشاط و سرزندگی را به جامعه باز بگردانند.

هم زمان با اصلاح اساس شیوه آموزش در رده‌های مختلف در جهت تربیت افراد کارآمد و پاسخگو به نیازهای برنامه بنیادین توسعه در کشور و فراهم ساختن موجبات سرمایه‌گذاری، باید دگرگونی‌های اساسی نیز در اوضاع و احوال جامعه انجام پذیرد، دگرگونی‌هایی که منجر به آن گردد تا جو امید و تلاش و همدلی جانشین ناامیدها، رخوت و کینه‌ورزی بگردد، باید فضای باز و آزاداندیشی بر کشور حاکم بگردد و نسل جوان خود را قادر بر آن ببیند که می‌تواند آنچه را که می‌اندیشد بیان کند و سخنش شنیده می‌شود این گفته نه به آن معنی است که باید تسلیم همه نظرها و خواسته‌های گوناگون نسل جوان گشت، بلکه باید فضائی ایجاد کرد که امکان برقراری گفتگوی سالم و برکنار از وحشت و فشار در آن بوجود آید. فضائی که در آن بغض راه گلو را نیندند. شک نکنید که عمده جوانان از شعور و شناخت لازم برای شنیدن سخنان اندیشیده و آگاهی دهنده برخوردار هستند. آنها تشنه شنیدن، آموختن،

فراگرفتن و نقش آفریدن و مسئولیت‌پذیری هستند. شما جامعه‌ای قانونمند و فردگرا و متکی بر ضوابط سنجیده و قابل قبول و برکنار از بسته‌اندیشی را پایه نهد، اطمینان داشته باشید که جوانان این مرز و بوم شخصیت آن را دارند که با صداقت پذیرای آن باشند و در تحکیم مبانی آن بکوشند.

نسل جوان برای تلاش و کار و زندگی با نشاط و حرکت در راستای سازندگی و آفرینش نیاز بدان دارد تا از هر نظر احساس امنیت کند. با او سرکوبگرانه برخورد نشود، به حسابش بیاورند و با صمیمیت با او برخورد کنند. او بر آن نیست تا لجام گسیختگی و هرج و مرج بر کشور و جامعه حکمفرما شود، بلکه او خواستار آن است تا مورد تبعیض و بی‌حرمتی قرار نگیرد و گوش شنوایی برای شنیدن سخنش وجود داشته باشد، اگرچه پاسخی منفی به او داده شود.

برخوردهای جزئی در طی نزدیک به دو دهه با جوانان در زمینه‌های مختلف شرایطی پدید آورده است که امکان برقراری سالم هرگونه گفت و شنود را میان حکومت و نسل جوان مخدوش ساخته و حس اعتماد را از بین برده است. از اینرو ایجاب می‌کند تا با بازنگری نسبت به سیاستهای ناروای گذشته موجبات پدید آوردن فضای تفاهم را برقرار ساخت. سخنان ریاست جمهوری طی این چند ماه زمینه‌ساز بستری است که اگر تداوم بیابد و از گفته به کردار بیانجامد می‌توان امیدوار بود تا دگرگونی مطلوبی بیار آورد.

اگر صادقانه برآنیم تا از نیروی عظیم جامعه جوان کشور در جهت نیکیختی تمامی ملت ایران بهره بگیریم و نشاط و سرزندگی و پویائی را به این سرزمین و مردم آن ارزانی بداریم، باید که کار برنامه‌ریزی را بدست صاحبان اندیشه و صاحب‌نظران و کارشناسانی بسپاریم که برکنار از بسته‌اندیشی و دیدگاههای گروه‌گرائی و مصلحت‌اندیشی‌های برخاسته از ترس و حفظ موقعیت، جز به منافع بلند مدت ملی نیاندیشند و از فرهنگ ملی آگاهی کافی داشته باشند.

